

پاسیو واقعاً خارجی است؟ داستان عجیب پادیاو در معماری ایران

۳۱ مرداد ۱۴۰۵ | سکرو

فکر می‌کنی «پاسیو» یک واژه کاملاً خارجی است؟ شاید داستان کمی پیچیده‌تر از چیزی باشد که در نگاه اول به نظر می‌رسد. ما امروز خیلی راحت می‌گوییم پاسیو. در نقشه‌ها، در توضیح خانه‌ها، در طراحی داخلی، در حرف‌های روزمره و حتی در آگهی‌های ساختمانی. معمولاً هم منظورمان روشن است: یک فضای باز یا نیمه‌باز کوچک درون ساختمان؛ جایی برای نور، هوا، گیاه، گاهی نشستن و گاهی فقط نورگیری. اما در روایت فرهنگ [مهرازی ایران](#)، پشت این واژه آشنا، نامی قدیمی‌تر دیده می‌شود: **پادیاو** همین واژه، ما را وارد یک مسیر جذاب می‌کند:

پادیاو | Patio | پاسیو؟

علامت سؤال را باید جدی گرفت. ریشه‌شناسی واژه‌ها کار ساده‌ای نیست و نمی‌شود فقط با شباهت ظاهری دو واژه، یک حکم قطعی صادر کرد. اما روایت فرهنگ مهرازی ایران ارزش توجه دارد؛ چون ما را به مسئله‌ای بزرگ‌تر می‌رساند:

چند واژه از زبان مهرازی ایران کم‌رنگ شده‌اند، در حالی که خود فضاها هنوز پیش چشم ما هستند؟

این مقاله فقط درباره یک کلمه نیست. درباره رابطه میان واژه، فضا، حافظه و معماری ایرانی است.

پاسیو در زبان امروز یعنی چه؟

در کاربرد امروزی معماری، پاسیو معمولاً به فضایی باز یا نیمه‌باز درون یا میان ساختمان گفته می‌شود. این فضا می‌تواند چند نقش داشته باشد: ورود نور، جریان هوا، ایجاد فضای سبز کوچک، ارتباط اتاق‌ها با یک فضای باز داخلی، یا ساختن مکثی کوتاه میان فضاهای بسته.

در آپارتمان‌های امروز، پاسیو اغلب به شکل یک نورگیر داخلی شناخته می‌شود؛ فضایی که گاهی فقط برای تأمین نور و تهویه استفاده می‌شود و گاهی، اگر بهتر طراحی شده باشد، می‌تواند به یک حیاط کوچک، باغچه محدود یا فضای قابل استفاده تبدیل شود.

اما نکته مهم اینجاست:

پاسیو در بهترین حالت فقط یک حفره نورگیر نیست.

اگر درست طراحی شود، می‌تواند کیفیت زندگی درون خانه را تغییر دهد. می‌تواند نور را نرم‌تر وارد کند، هوا را به حرکت درآورد، دید میان فضاها را کنترل کند، سبزی و زندگی را به خانه برگرداند و میان درون و بیرون رابطه‌ای ظریف بسازد.

پس وقتی می‌گوییم پاسیو، فقط با یک واژه روبه‌رو نیستیم؛ با یک ایده فضایی روبه‌رو هستیم.



پاسیو اگر درست طراحی شود، می‌تواند نور، هوا، گیاه و کیفیت زندگی را وارد خانه کند.

پادیاو چیست؟

طبق روایتی که در فرهنگ مهرازی ایران مطرح شده، «پادیاو» واژه‌ای مرتبط با مهرازی ایران و فضاهای وابسته به آب است. پادیاو را می‌توان فضایی دوربسته و مرتبط با آب دانست؛ فضایی که می‌توانست در میان خود حوض، برکه یا جوی آب داشته باشد و با شست‌وشو، پاکیزگی، حضور آب و نوعی آرامش درونی پیوند بخورد.

این تعریف، پادیاو را از یک فضای ساده جدا می‌کند.

پادیاو فقط یک جای خالی در بنا نبود.

فقط یک حیاط کوچک نبود.

فقط یک نورگیر نبود.

پادیاو فضایی بود که با آب معنا پیدا می‌کرد. آب در اینجا فقط عنصر تزئینی نبود؛ بخشی از تجربه فضا بود. حضور آب می‌توانست هوا را نرم‌تر کند، چشم را آرام کند، صدا بسازد، پاکیزگی را یادآوری کند و میان معماری و زندگی روزانه پیوند برقرار کند.

در برخی نمونه‌ها، پیرامون این فضای میانی، دیوارها و فضاهای جانبی قرار می‌گرفتند. یعنی پادیاو می‌توانست بخشی از

یک سازمان فضایی درونگرا باشد؛ فضایی که در مرکز یا میانه یک مجموعه قرار می‌گرفت و فضاهای دیگر با آن نسبت پیدا می‌کردند.

از این زاویه، پادیاو را باید فراتر از یک واژه دید.

پادیاو نشانه یک نوع نگاه به فضا است؛ نگاهی که آب، حریم، پاکیزگی، درونگرایی و آرامش را در کنار هم می‌بیند.



پادیاو در روایت مهرازی ایران با آب، حوض، پاکیزگی و فضای درون‌گرا پیوند دارد.

از پادیاو تا Patio؛ روایت فرهنگ مهرازی ایران

یکی از بخش‌های جذاب ماجرا این است که فرهنگ مهرازی ایران، در مدخل مربوط به پاسیو، پیوندی میان پادیاو و Patio مطرح می‌کند.

این روایت را می‌شود چنین خلاصه کرد:

واژه پادیاو از ایران بیرون می‌رود، در مسیر زبان‌ها تغییر شکل می‌دهد، در اروپا به صورت Patio شناخته می‌شود و بعد، با شکل فارسی‌شده «پاسیو»، دوباره وارد زبان امروز ما می‌شود.

این روایت بسیار جذاب است. اما باید با دقت بیان شود.

ما نباید بگوییم: «قطعاً Patio از پادیاو آمده است.»

بیان دقیق‌تر این است:

طبق فرهنگ مهرازی ایران، چنین پیوندی میان پادیاو، Patio و پاسیو مطرح شده است؛ اما برای حکم قطعی زبان‌شناسی، باید منابع مستقل و تخصصی ریشه‌شناسی هم بررسی شوند.

این احتیاط، ارزش مقاله را کم نمی‌کند؛ برعکس، آن را جدی‌تر می‌کند.

چون هدف ما ساختن یک ادعای هیجان‌زده نیست. هدف این است که یک روایت مهم را بشناسیم، درباره آن فکر کنیم و از دل آن به مسئله‌ای عمیق‌تر برسیم: گم‌شدن واژه‌های مهرازی ایران.



روایت فرهنگ مهرازی ایران پیوندی میان پادیاو، Patio و پاسیو مطرح می‌کند؛ اما با احتیاط پژوهشی.

پادیاو و پاسیو چه فرقی دارند؟

اگر بخواهیم ساده بگوییم، پادیاو و پاسیو در دو سطح مختلف قرار دارند.

پادیاو واژه‌ای است که در روایت فرهنگ مهرازی ایران به فضایی دوربسته و وابسته به آب اشاره می‌کند؛ فضایی که با حوض، جوی آب، شست‌وشو، پاکیزگی و زندگی درونی ارتباط دارد.

پاسیو در زبان امروز معماری، بیشتر به فضای باز یا نیمه‌بازی درون یا میان ساختمان گفته می‌شود؛ فضایی برای نور، هوا، گیاه، نشستن یا ارتباط فضاهای داخلی با یک فضای باز کوچک.

پس تفاوت مهم اینجاست:

پادیاو در روایت مهرازی، بار فرهنگی و فضایی عمیقتری دارد.

پاسیو در کاربرد امروز، بیشتر یک واژه عمومی ساختمانی و معماری است.

اما همین تفاوت، پرسش مهمی ایجاد می‌کند:

آیا وقتی واژه پادیاو را فراموش می‌کنیم، فقط یک کلمه را از دست می‌دهیم؟

یا بخشی از شیوه دیدن فضا را هم از دست می‌دهیم؟



پادیاو با آب و فضای دوربسته پیوند دارد؛ پاسیو امروز بیشتر با نور، هوا و فضای باز داخلی شناخته می‌شود.

مسئله فقط پاسیو نیست

اگر این مقاله فقط می‌خواست بگوید «پاسیو شاید ریشه ایرانی داشته باشد»، بعد از چند خط تمام می‌شد.

اما موضوع مهم‌تر از این است.

ما امروز بسیاری از واژه‌های معماری را با نام‌های وارداتی یا عمومی می‌شناسیم. این همیشه مشکل نیست. زبان زنده است و واژه‌ها سفر می‌کنند. اما مشکل از جایی شروع می‌شود که واژه‌های خودمان را فراموش کنیم و همراه آن‌ها، دقت فضایی خود را هم از دست بدهیم.

وقتی فقط می‌گوییم «پاسیو»، ممکن است ذهنمان مستقیم به یک نورگیر باریک در آپارتمان برود؛ یک فضای باقی‌مانده میان دیوارها.

اما وقتی با واژه‌ای مثل «پادیو» روبه‌رو می‌شویم، ناگهان پرسش‌های دیگری زنده می‌شوند:

- آب در این فضا چه می‌کند؟
 - این فضا چقدر درونگرا بود؟
 - چه نسبتی با پاکیزگی داشت؟
 - چه رابطه‌ای با حریم، آسایش و آرامش داشت؟
 - آیا فقط نور می‌گرفت یا زندگی را هم در خود نگه می‌داشت؟
- اینجاست که یک واژه قدیمی، فقط یک نام نیست. یک دریچه است.
- زبان معماری فقط کلمه نیست؛ حافظه یک حرفه است.**



گاهی یک واژه کمرنگ می‌شود، اما فضای آن هنوز در معماری زنده است.

چرا شناخت پادیو برای معمار امروز مهم است؟

معمار امروز الزاماً نباید در همه پروژه‌ها از واژه پادیو استفاده کند. مسئله، تعصب زبانی نیست. مسئله، دقت در فهم

فضاست.

وقتی معمار فقط با واژه‌های رایج و کلی کار می‌کند، گاهی تفاوت‌های ظریف فضاها را از دست می‌دهد. مثلاً اگر هر فضای باز کوچک را فقط «پاسیو» بنامیم، ممکن است میان این‌ها فرق نگذاریم:

- حیاط کوچک،
- نورگیر،
- حیاط خلوت،
- فضای نیمه‌باز،
- فضای وابسته به آب،
- فضای مکث،
- فضای پاکیزگی،
- فضای درونگرا،
- یا بخشی از نظام حرکتی خانه.

اما واژه‌های دقیق‌تر به ما کمک می‌کنند فضا را دقیق‌تر ببینیم.

پادیاو به ما یادآوری می‌کند که در مهرازی ایران، فضا فقط با دیوار تعریف نمی‌شد. گاهی آب، حریم، مسیر، سکون، شست‌وشو، هوا و نور با هم یک کیفیت می‌ساختند.

پس شناخت پادیاو فقط یک کنجکاوی واژه‌شناسانه نیست. می‌تواند نگاه طراح را نسبت به فضای باز کوچک، نورگیر، حیاط درونی و فضای وابسته به آب تغییر دهد.



واژه‌ها فقط اسم نیستند؛ گاهی نگاه معمار به نور، آب، حریم و زندگی را تغییر می‌دهند.

برداشت اشتباه رایج: پاسیو فقط یک نورگیر است

در بسیاری از ساختمان‌های امروز، پاسیو به یک فضای باریک و بی‌جان تبدیل شده است. فضایی که نه کیفیتی برای نشستن دارد، نه رابطه خوبی با اتاق‌ها، نه نور مناسبی، نه گیاه، نه آب، نه حریم و نه تجربه انسانی.

فقط هست چون باید نور بدهد.

این برداشت، پاسیو را به حداقل عملکرد فنی کاهش می‌دهد.

درحالی‌که فضای باز داخلی می‌تواند بسیار بیشتر از این باشد. می‌تواند بخشی از زندگی خانه باشد. می‌تواند نور را کنترل کند. می‌تواند هوا را به حرکت درآورد. می‌تواند به اتاق‌ها کیفیت بدهد. می‌تواند حریم بسازد. می‌تواند چشم‌انداز کوچک اما ارزشمند خلق کند.

اگر روایت پادیاو را جدی بگیریم، نگاه ما به پاسیو هم تغییر می‌کند.

دیگر نمی‌پرسیم فقط «چقدر نور می‌دهد؟»

می‌پرسیم:

- این فضا چه کیفیتی به خانه اضافه می‌کند؟

- آیا فقط یک شکاف ساختمانی است؟
- یا بخشی از تجربه زندگی است؟



پاسیو اگر طراحی شود، می تواند از یک چاه نور ساده به فضای زنده خانه تبدیل شود.

خوانش فنی سکرو: پادیاو را فقط واژه نبینیم، فضا را بخوانیم

در خوانش سکرو، پادیاو و پاسیو فقط موضوع واژه شناسی نیستند. این بحث باید به خواندن بهتر معماری کمک کند. برای همین، وقتی با یک پاسیو، حیاط کوچک یا فضای باز داخلی روبه رو می شویم، بهتر است چند پرسش فنی بپرسیم.

جایگاه فضا در پلان

پاسیو یا فضای باز داخلی در کجای پلان قرار گرفته است؟

- در مرکز خانه است؟
- در گوشه مانده است؟
- اتاقها به آن نگاه می کنند؟
- یا فقط میان دیوارها گرفتار شده است؟



در معماری ایرانی، فضاهای میانی معمولاً فقط فضای خالی نبودند. آن‌ها مرکز رابطه بودند. فضاهای دیگر با آن‌ها نسبت پیدا می‌کردند.

رابطه با نور و هوا

آیا این فضا فقط نور مستقیم و آزاردهنده وارد می‌کند، یا نور را قابل استفاده می‌کند؟

- آیا هوا در آن حرکت دارد؟
- آیا سایه دارد؟
- آیا گیاه یا آب می‌تواند کیفیت آن را بهتر کند؟

در فضای خوب، نور و هوا فقط وارد نمی‌شوند؛ تنظیم می‌شوند.

رابطه با حریم

یکی از پرسش‌های مهم این است:

این فضا دید را چگونه کنترل می‌کند؟

- آیا از بیرون به درون دید مستقیم می‌دهد؟
- آیا اتاق‌ها را بی‌حریم می‌کند؟
- یا برعکس، مثل یک واسطه، میان فضاها فاصله و آرامش می‌سازد؟

در مهرازی ایرانی، حریم فقط با بستن کامل فضا ساخته نمی‌شد. گاهی با چرخش، فاصله، سایه، دیوار، آب و فضای میانی ساخته می‌شد.



پادیاو و پاسیو را باید از رابطه نور، هوا، آب، حریم، دید و تجربه انسان فهمید؛ نه از دیگرام‌های ساختگی. تفاوت فضای زنده با حفره ساختمانی

هر جای خالی در ساختمان، فضا نیست.

فضا زمانی زنده می‌شود که نسبتی با انسان، نور، هوا، حرکت، دید و مکث پیدا کند.

یک پاسیو اگر فقط برای رفع ضابطه نورگیری باشد، ممکن است در زندگی روزانه هیچ نقشی نداشته باشد. اما اگر با اتاق‌ها، گیاه، سایه، آب، نشستن و دید کنترل‌شده پیوند پیدا کند، می‌تواند بخشی از کیفیت خانه شود.

اینجاست که پادیاو به ما هشدار می‌دهد:

فضای میانی را دست‌کم نگیر.

چرا این موضوع برای معماری امروز مهم است؟

خانه‌های امروز بیش از هر زمان دیگری به فضاهای واسط نیاز دارند.

ما در شهرهای متراکم زندگی می‌کنیم. نور کم است. حریم کم است. ارتباط با طبیعت کم است. فضاها کوچک‌تر شده‌اند. خانه‌ها گاهی فقط مجموعه‌ای از اتاق‌ها هستند که به سختی کنار هم قرار گرفته‌اند.



در چنین وضعی، یک فضای باز کوچک می‌تواند بسیار مهم باشد.

اما نه هر فضای باز کوچکی.

اگر پاسیو فقط یک چاه نور باشد، مسئله را حل نمی‌کند.

اگر فقط یک حفره بی‌کیفیت میان دیوارها باشد، زندگی نمی‌سازد.

اگر فقط اسمش پاسیو باشد، اما هیچ نسبتی با نور، هوا، گیاه، حریم و انسان نداشته باشد، چیزی به خانه اضافه نمی‌کند.

اینجاست که بازگشت به واژه‌هایی مثل پادیاو می‌تواند الهام‌بخش باشد.

نه برای اینکه گذشته را کپی کنیم.

نه برای اینکه حتماً نام همه چیز را عوض کنیم.

بلکه برای اینکه بفهمیم پشت هر واژه، یک شیوه دیدن فضا وجود دارد.

هدف این نیست که به جای پاسیو فقط بگوییم پادیاو؛ هدف این است که پشت هر واژه، منطق فضا را دوباره ببینیم.

نکات کاربردی برای طراحان

۱. پاسیو را باقی‌مانده زمین نبین

پاسیو نباید فقط جایی باشد که بعد از چیدن اتاق‌ها باقی مانده است. از اول باید جایگاه آن در پلان روشن باشد.

۲. نورگیری کافی نیست

نور مهم است، اما کافی نیست. کیفیت نور، جهت نور، سایه، بازتاب و کنترل دید هم اهمیت دارند.

۳. به آب و گیاه فکر کن

پادیاو به ما یادآوری می‌کند که فضای میانی می‌تواند با آب و پاکیزگی و آرامش پیوند داشته باشد. حتی در طراحی امروز، یک باغچه کوچک، آب کم، سطح مرطوب یا گیاه مناسب می‌تواند کیفیت فضا را تغییر دهد.

۴. رابطه اتاق‌ها با پاسیو را طراحی کن

اتاق‌ها فقط نباید از پاسیو نور بگیرند. باید با آن رابطه فضایی داشته باشند. دید، دسترسی، حریم و حس حضور باید طراحی شود.

۵. حریم را فراموش نکن

فضای باز داخلی اگر درست طراحی نشود، می‌تواند حریم را از بین ببرد. اما اگر درست طراحی شود، خودش به ابزار ساختن حریم تبدیل می‌شود.

۶. نام فضا را جدی بگیر

واژه‌ها بی‌اهمیت نیستند. وقتی نام یک فضا را دقیق‌تر می‌شناسیم، آن را دقیق‌تر طراحی می‌کنیم.

جمله‌های قابل اشتراک‌گذاری

- پاسیو را می‌شناسیم؛ اما پادیاو را چطور؟
- گاهی یک واژه گم می‌شود، اما فضای آن هنوز پیش چشم ماست.
- زبان معماری فقط کلمه نیست؛ حافظه یک حرفه است.
- برای پیدا کردن معماری ایران، گاهی باید اول واژه‌های گمشده‌اش را پیدا کنیم.
- نام فضا فقط اسم نیست؛ راه دیدن فضا است.



گاهی برای دوباره شناختن معماری ایران، باید واژه‌های فراموش‌شده مهرازی را هم پیدا کنیم.

پرسش‌های پرتکرار درباره پادیاو و پاسیو

پادیاو چیست؟

پادیاو، طبق روایت فرهنگ مهرازی ایران، فضایی دوربسته و وابسته به آب بود که می‌توانست حوض، برکه یا جوی آب در میان خود داشته باشد و با شست‌وشو، پاکیزگی و حضور آب پیوند پیدا کند.

پاسیو چیست؟

پاسیو در کاربرد امروزی معماری، معمولاً به فضای باز یا نیمه‌باز درون یا میان ساختمان گفته می‌شود؛ فضایی که برای نورگیری، تهویه، فضای سبز کوچک، نشستن یا ارتباط فضاهای داخلی با یک فضای باز به کار می‌رود.

آیا پاسیو ریشه ایرانی دارد؟

فرهنگ مهرازی ایران پیوندی میان پادیاو، Patio و پاسیو مطرح می‌کند. اما این مسیر را باید با احتیاط بیان کرد؛ چون برای حکم قطعی زبان‌شناسی، بررسی منابع مستقل ریشه‌شناسی هم لازم است.

فرق پادیاو و پاسیو چیست؟

پادیاو در روایت مهرازی با آب، شست‌وشو، پاکیزگی و فضای دوربسته پیوند دارد. پاسیو در زبان امروز، بیشتر به فضای باز یا نیمه‌باز درون ساختمان برای نور، هوا و ارتباط فضایی گفته می‌شود.

چرا شناخت واژه پادیاو مهم است؟

چون واژه‌ها فقط نام نیستند. هر واژه می‌تواند شیوه‌ای از دیدن فضا را زنده کند. پادیاو به ما کمک می‌کند رابطه فضا، آب، حریم، پاکیزگی و آرامش را در معماری ایرانی بهتر بفهمیم.

آیا باید به جای پاسیو بگوییم پادیاو؟

ضرورتی ندارد. هدف این مقاله اجبار زبانی نیست. هدف این است که وقتی از پاسیو حرف می‌زنیم، واژه پادیاو و حافظه مهرازی پشت آن را هم بشناسیم.

در آخر: گاهی برای شناخت فضا، باید واژه را پیدا کرد

پادیاو و پاسیو فقط دو واژه نیستند.

یکی ما را به زبان مهرازی ایران می‌برد.



دیگری در زبان امروز معماری و ساختمان رایج است.

میان این دو، روایتی وجود دارد که فرهنگ مهرازی ایران آن را مطرح کرده است: سفری از پادیاو به Patio و سپس پاسیو. این روایت هرچقدر هم جذاب باشد، باید با احتیاط خوانده شود. اما حتی همین احتیاط هم از ارزش ماجرا کم نمی‌کند. چون مسئله اصلی، فقط اثبات ریشه یک واژه نیست.

مسئله این است که ما امروز چند واژه معماری را فراموش کرده‌ایم؟

چند فضا را هنوز می‌بینیم، اما نام دقیق و حافظه تاریخی آن‌ها را نمی‌شناسیم؟

چند بار واژه‌ای با لباس تازه به ما برگشته، در حالی که شکل قدیمی‌ترش در زبان خودمان کم‌رنگ شده است؟ پاسیو را تقریباً همه می‌شناسیم.

اما پادیاو را چطور؟

شاید همین پرسش کافی باشد تا دوباره به زبان مهرازی ایران برگردیم؛ نه برای تعصب، بلکه برای دقیق‌تر دیدن.

گاهی برای دوباره شناختن معماری ایران، فقط نباید بناها را پیدا کنیم.

باید واژه‌های گمشده‌اش را هم پیدا کنیم.

سکرو | مرجع آموزش معماری ایرانی

برای دانلود نسخه PDF این مقاله باید ثبت‌نام یا وارد حساب کاربری شوید.

ورود / ثبت‌نام